

واپایش نظم در شبکه‌های منطقه‌ای پیچیده: ایران و غرب آسیا

فرهاد قاسمی^{۱*}، سیده بنت‌الهدا هاشمی^۲

^۱ دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
^۲ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

واقعیت‌های جدید، پیچیدگی و شبکه‌ای شدن نظم بین‌الملل و منطقه‌ای به تغییر واپایش نظم در شبکه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا منجر شده است. یافتن پاسخ‌های سه پرسش زیر از اهداف بنیادین پژوهش است: ۱. با توجه به پیچیدگی نظم در شبکه‌های منطقه‌ای، واپایش آن پیرو چه قواعدی است؟ ۲. کنشگران برجسته منطقه‌ای برای چنین واپایشی از چه گونه سیستم‌هایی بهره می‌برند؟ ۳. چگونگی تأثیر این واپایش بر ایران چیست؟ در فرضیه پژوهشی استدلال می‌شود که شبکه‌ای شدن واپایش نظم در وضعیت پیچیدگی پسا جنگ سرد، الگوی واپایش در غرب آسیا را به الگوی شبکه‌ای تغییر داده، به گونه‌ای که اصول شبکه‌ای (دربرگیرنده قدرت در قالب ارتباطات، غیرخطی شدن، نبود تقارن و سازواری) بر آن چیره شده است. با تأکید بر مفهوم نوپدیدگی و بهره‌گیری از نظریه پیچیدگی-آشوب، چارچوب نظری الگوی واپایش نظم در شبکه غرب آسیا ارائه می‌شود. همچنین با رویکردی تبیینی و با بررسی نظام‌مند و ارزیابی استدلال‌ها و یافته‌های پژوهش‌های علمی پیشین در این زمینه، داده‌های کیفی مربوط به الگوهای واپایش در این منطقه تحلیل می‌شود. دستاوردهای پژوهش عبارت‌اند از: الف) تحولات نوپدید نظم در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای به تحول در الگوی واپایش نظم، اصول واپایش، اهداف واپایش، کنش‌ها و وضعیت‌های محیطی واپایش انجامیده است؛ ب) الگوی واپایش شبکه‌ای نامتمرکز با شرایط کنونی در غرب آسیا تناسب دارد و این الگو، نبود تمرکز را به عنوان بن‌مایه الگوی واپایش نظم نوین در غرب آسیا مطرح می‌کند؛ ج) قواعد الگوی واپایش شبکه‌ای نامتمرکز دربرگیرنده تمرکززدایی در سیستم از راه گوناگونی در قوانین، دسترسی نداشتن کامل به اطلاعات، راه‌حل‌های گوناگون، افزایش انعطاف‌پذیری و نوآوری است؛ د) این امر به شکل‌گیری کنش‌های مستقل‌تر و ایجاد واپایش‌کننده‌های بومی منجر می‌شود که به شکل خودسامان سیستم را اداره می‌کنند؛ ه) واپایش نظم در شبکه بر ایران تأثیر داشته است.

واژه‌های کلیدی: شبکه‌های پیچیده، نامتمرکز، نوپدیدگی، واپایش نظم، واپایش‌کننده بومی

* نویسنده مسئول، رایانامه: faghasemi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۷ بهمن ۱۴۰۰، تاریخ تصویب: ۲۱ شهریور ۱۴۰۱

۱. مقدمه

غرب آسیا برجسته‌ترین بخش شبکه منطقه‌ای ایران به‌شمار می‌آید، و الگوهای پرشماری از واپایش^۱ نظم را در طول زندگی گروه‌های انسانی تجربه کرده است. به‌طور کلی، دو الگوی واپایش نظم ساده-خطی، و پیچیده-شبکه‌ای در غرب آسیا مشاهده‌شدنی است. الگوی نظم در این منطقه سده‌ها به شکل امپراتوری‌های بومی با مرکزیت ایران بود. با گذشت زمان خلافت اسلامی و پس از آن شکل‌گیری امپراتوری‌های ایران و عثمانی دو مرکز قدرت را در این منطقه به‌وجود آورد که ایران همواره بیشترین مرکزیت قدرت را در غرب آسیا در جایگاه برجسته‌ترین حوزه عملیات قدرت دارا بود. غرب آسیا با گذشت زمان به دلایل جغرافیای سیاسی (ژئوپلتیک) و جغرافیای اقتصادی سیاسی (ژئواکونومیک) و تحول در ساختار قدرت بین‌الملل به منطقه‌ای نفوذپذیر برای قدرت‌های خارجی تبدیل شد. همزمانی پیدایش قدرت‌های اروپایی با افول امپراتوری‌های بومی، تأثیر نظم‌های جهانی را بر واپایش غرب آسیا دوچندان کرد. با گذشت زمان و شکل‌گیری نظم امپریالیستی شبکه غرب آسیا شاهد حضور بازیگران بیشتر در منطقه شد. انتهای این دوره همزمان با تشکیل دولت-ملت‌های جدید و مؤلفه نوین ژئواکونومی (نفت) در منطقه بود. رقابت‌های نظم دوقطبی و شکل‌گیری ساختار نامنسجم نظم در پی تحولات گوناگون در غرب آسیا سبب جذب منطقه در نظم تک‌قطبی در سال‌های پس از آن شد، در نتیجه واپایش نظم غیربومی در غرب آسیا جایگزین واپایش بومی شد.

با بررسی تحول تاریخی واپایش نظم به‌ویژه طی چند سده گذشته می‌توان دریافت که الگوهای واپایش در این زمان بیشتر با الگوی خطی-متمركز سازگار بوده است. این در حالی است که شبکه منطقه‌ای ایران در غرب آسیا پس از جنگ سرد با بیشترین دگرگونی‌ها، بحران‌ها، روندهای صعودی و نزولی قدرت و گوناگونی در مؤلفه نظم در بستر ارتباطی روبه‌رو بوده است. همچنین پویایی‌های ساختار قدرت جهانی و منطقه‌ای و همزمانی این پویایی‌ها، به‌شدت بر منطقه غرب آسیا اثرگذار بوده و شبکه‌ای از روابط پیچیده را ایجاد کرده است، به شکلی که شبکه منطقه‌ای ایران در غرب آسیا با فراوانی و گوناگونی بسیاری روبه‌رو شده است.

بی‌توجهی به پیچیدگی واپایش نظم در این منطقه موجب شده بود که واپایش نظم همواره پدیده‌ای متمركز و خطی به‌شمار آید. ساختار نظم در غرب آسیا پس از جنگ سرد به‌شدت شبکه‌ای شده است، بنابراین سازگاری الگوی واپایش نظم در شبکه منطقه‌ای ایران با منطق درونی نظم شبکه‌ای و پیچیده اهمیت دارد. در این زمینه، پرسش‌های اصلی و فرعی زیر

بررسی می‌شوند: ۱. با توجه به پیچیدگی نظم در شبکه‌های منطقه‌ای، و‌اپایش آن پیرو چه قواعدی است؟ ۲. کنشگران برجسته منطقه‌ای برای چنین و‌اپیشتی از چه نوع سیستم‌هایی بهره می‌برند؟ ۳. با نگرش به اینکه ایران در بخشی از شبکه منطقه‌ای غرب آسیا با نوپیدگی در و‌اپایش نظم روبه‌رو شده است، و‌اپایش نظم از سوی ایران چگونه است؟ در فرضیه پژوهشی استدلال می‌شود که «شبکه‌ای شدن و‌اپایش نظم در وضعیت پیچیدگی پساجنگ سرد»، «الگوی و‌اپایش در غرب آسیا» را به الگوی شبکه‌ای تغییر داده، به‌گونه‌ای که دربرگیرنده اصول شبکه‌ای (دربرگیرنده قدرت در قالب ارتباطات، غیرخطی شدن، نبود تقارن^۱ و سازواری^۲) است. در این زمینه الگوی و‌اپایش شبکه‌ای نامتمرکز با گوناگونی در کارگزاران، پویایی‌ها و راهبردها، الزاماتی از جمله گوناگونی در قوانین، دسترسی نداشتن کامل به اطلاعات، کاهش وابستگی به بازیگران مرکزی سیستم، سازواری، بومی شدن و خودساماندهی را بر الگوی شبکه‌ای نامتمرکز ایران تحمیل کرده است و راهبردهای شبکه‌ای از جمله شبکه‌های جایگزین^۳، پشتیبان، میانجی‌گری، ارزش‌محور و مصون‌سازی^۴ برای و‌اپایش شبکه‌ای نامتمرکز ارائه می‌دهد.

این پژوهش در پی پاسخگویی به واقعیت‌های نوپدید در و‌اپایش نظم غرب آسیاست که نظریه‌های موجود از پاسخ به آن ناتوان‌اند. به همین منظور با بهره‌گیری از نظریه پیچیدگی- آشوب^۵ که تناسب بیشتری با واقعیت‌های نوپدید دارد، برای ارائه الگوی نظری و سپس پاسخ به پرسش از راه بررسی واقعیت‌های نوپدید نظام بین‌الملل تلاش می‌کند. همچنین با رویکردی تبیینی و با بررسی نظام‌مند و ارزیابی استدلال‌ها و یافته‌های پژوهش‌های علمی پیشین در این زمینه، داده‌های کیفی مربوط به الگوهای و‌اپایش در این منطقه تحلیل می‌شوند. در نهایت، با بازگشت به الگوی نظری ارائه‌شده و تمرکز بر واقعیت‌های بررسی‌شده، به استنتاج نظری نهایی پرداخته خواهد شد. بخش نخست مقاله به بررسی ادبیات پژوهش و تبیین واقعیت‌های نوپدید مؤثر بر و‌اپایش نظم غرب آسیا اختصاص دارد؛ در بخش دوم، بر مبنای شبکه‌های پیچیده، الگوی و‌اپایش نظم و اجزای آن دربرگیرنده پویایی‌ها، قواعد، اهداف و وضعیت‌ها ارائه می‌شود. در بخش سوم، با بررسی سیر تاریخی تحول الگوهای و‌اپایش نظم در غرب آسیا، قواعد و‌اپایش شبکه‌ای غرب آسیا، ایران و و‌اپایش شبکه‌ای در غرب آسیا، راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای و‌اپایش شبکه‌ای نامتمرکز پیشنهاد می‌شود. بخش نهایی نیز به جمع‌بندی و یافته‌های پژوهش اختصاص دارد.

-
1. Asymmetric
 2. Adaptation
 3. Substitution Networks
 4. Hedging
 5. Complex-Chaos Theory

۲. بررسی پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهش واپایش نظم را می‌توان به سه گروه کلی، ادبیات واپایش نظم در نظام بین‌الملل، ادبیات شبکه‌های پیچیده و ادبیات واپایش نظم در غرب آسیا تقسیم کرد. بر این مبنا برخی پژوهش‌ها، دسته‌بندی‌های نظم در نظریه‌های روابط بین‌الملل را نشان می‌دهند که در آن نظریه‌های روابط بین‌الملل در سده بیستم دو دسته کلی مدیریت نظم و رهایی از نظم اتخاذ کرده‌اند. نخستین آنها در پی یافتن راه‌هایی برای مدیریت نظم در روابط بین‌الملل و گروه دوم به دنبال پایان مسئله نظم است. در رویکرد نخست مدیریت نظم از سه راه انجام می‌گیرد، که بر توازن، جامعه و نهادها تأکید دارد؛ و تأکید بر رهایی و محدودیت‌ها پاسخ گروه دوم به مسئله نظم است (Rengger, 2000). برخی نیز نظم را به‌عنوان محور برجسته پژوهش خود مطرح کرده‌اند (Bull, 1999). دسته‌ای دیگر از آثار به سازوکارهای ساماندهی نظم بین‌الملل می‌پردازند و با طرح مفهوم وابستگی متقابل^۱ می‌کوشند تا شیوه متفاوتی را برای فهم ساماندهی روابط بین‌الملل مطرح کنند (Nye & Keohane, 1977) در همین زمینه نحوه واپایش نظم به دست قدرت‌های پیروز بررسی می‌شود که با نگاهی همکاری‌گرایانه بهترین روش برای واپایش نظم را نهادهای چندجانبه به‌ویژه از نوع لیبرال می‌دانند که با رضایت و امتیاز برای سایر بازیگران نیز همراه است (Ikenberry, 2001).

در این زمینه پژوهش‌هایی با تمرکز بر فراوانی شبکه‌های ارتباطی و پیدایش مراکز نوین قدرت در حال گسترش است. ایده دنیای چندگانه آکاریا نظم‌های چندگانه، هم‌بُر، پیچیده و جدیدی را با فرایندهای جدید واپایش عرضه می‌کند (Acharya, 2017). مرشایمر رد لایه‌های پیچیده نظم لیبرال بر فروپاشی نظم کنونی را برجسته می‌سازد (Mearsheimer, 2019). برخی آثار نیز به چندپاره شدن واپایش نظم، بحران در نظم لیبرال امریکا، ورود بازیگران جدید در عرصه واپایش نظم، پیکربندی‌ها و نهادهای جدید در کنار تداوم برخی اصول نظم گذشته می‌پردازند (Ikenberry, 2011; Kagan, 2012; Brooks & Wohlforth, 2015). در این‌باره شبکه‌ای شدن روابط جهانی و رشد شبکه‌وار اتحادها بین قدرت‌های نوپدید بر ساختاردهی روابط بین قدرت‌های جدید و تبدیل این ساختار جدید روابط به‌عنوان اصول اساسی ساختار روابط جهانی تأثیر می‌گذارد (Keukeleire & Hooijmaaijers, 2014). پیدایش قدرت‌های جدید، ساختار روابط را پیچیده‌تر می‌کند و موجب تکه‌تکه شدن حاکمیت جهانی می‌شود (Stephen, 2017). شبکه‌ای شدن روابط بین‌الملل و رشد ساختار برهم‌کنش بازیگران در شبکه‌های حمایتی هنجارمحور نیز تبیین شده است (Keck & Sikkink, 1999).

1. Mutual Interdependence

به تدریج پژوهش‌های واپایش نظم به بینش عمیق‌تری در زمینه واقعیت‌های جدید در پهنه روابط بین‌الملل می‌رسند. آکاریا به هنجارهای منطقه‌ای و تأثیر آن بر تغییر واپایش نظم توجه ویژه دارد؛ این مسئله با به چالش کشیدن و تغییر پیکربندی نظم موجود ممکن است (Acharya, 2018: 11). موج جدید نظریه‌های روابط بین‌الملل برای پاسخ به موضوع‌های روابط بین‌الملل به‌ویژه واپایش نظم بر نظریه‌های پیچیدگی تأکید دارد (Curtis & Bousquet, 2011; Kavalski, 2007). همچنین پژوهش‌هایی در زمینه امنیت جهانی در چارچوب پیچیدگی صورت گرفته است که در آن عناصر پیچیدگی به سبب توانایی مقابله با آسیب‌پذیری‌ها و کاهش ناسازگاری‌ها و فراهم آوردن مهارت‌های جدید برای پاسخ به نبود اطمینان و نیاز به تداوم سازگاری در مدیریت امنیت جهانی امری ضروری است (Kavalski, 2008). در پژوهش‌های بسیاری نیز به ابعاد مختلف پیچیدگی در حوزه روابط بین‌الملل به‌ویژه نظم پرداخته شده است (قاسمی، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۷). نگرش به جهان سیاست به‌عنوان بستری با سطوح گوناگون که با برهم‌کنش ساختارهای تثبیت‌شده را همواره در فرایندی تبدیلی قرار می‌دهد نیز در این حوزه قرار می‌گیرد (Connolly, 2011). این آثار تفکر درباره واپایش نظم را با دگرگونی جدی روبه‌رو می‌کند.

ادبیات مربوط به واپایش نظم شبکه ایران در غرب آسیا متأثر از تغییر نظم جهانی ابعاد مختلف واپایش را بررسی کرده‌اند. سه دسته کلی ادبیات واپایش نظم در غرب آسیا با اثرپذیری از نظم دوقطبی، نظم تک‌قطبی و نظم پساامریکا را می‌توان بررسی کرد. در این زمینه برخی آثار از جنگ سرد اثرپذیرند و به نقد یا پیشبرد سیاست‌های ایالات متحده در واپایش غرب آسیا متکی‌اند (Little, 2008; Kupchan, 1988). توجه به ایران و شرایط آن در ادبیات واپایش نظم غرب آسیا به‌علت سلطه نظم تک‌قطبی و مقابله با چالش‌های آن اهمیت فراوان می‌یابد (Byman et al., 2001; Howard, 2007). با آشکار شدن نتایج جنگ عراق، گسترش بهار عربی و بحران‌های خاورمیانه، توجه بیشتری به نقش بازیگران بومی در ادبیات واپایش نظم در غرب آسیا دیده می‌شود. در این زمینه تهدیدها و چالش‌های پیش‌رو، آینده امنیت منطقه و نقش بازیگرانی مانند ایران و ترکیه بررسی شده است (Arafat, 2020). نظم منطقه‌ای غرب آسیا با تمرکز بر رقابت‌های منطقه‌ای و اتحادهای امنیتی به‌ویژه پس از بهار عربی نیز در آثار پژوهشی مطرح است (Amour, 2020). ارائه تصویری پویا و در حال تغییر از غرب آسیا و نقش بازیگران منطقه‌ای در آن از دیگر عناصر پژوهش‌های موجود است (Fawcett, 2016). توجه به مسئله برون‌سپاری در ابزارهای واپایش نظم غرب آسیا مانند جنگ نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته است (Krieg, 2016). توجه به بازیگران غیردولتی و نقش آنها در تحولات

منطقه، برهم‌کنش بازیگران دولتی و غیردولتی و تأثیر این بازیگران بر تصمیم‌های نظامی و دیپلماتیک نیز واکاوی شده است (Alagha, 2012; Kausch, 2017).

دسته دیگر از آثار به بازسازی ساختار قدرت جهانی و غرب آسیا و تلاش‌های قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه برای ایجاد شبکه‌های قدرت در خاورمیانه می‌پردازند (Beck & Richter, 2020)، همچنین چندمرکزیتی و گسترش شبکه‌های قدرت در غرب آسیا از سوی قدرت‌های برتر منطقه، همبستگی ایجاد لایه‌های جدید قدرت و تشدید بی‌ثباتی در منطقه نیز بررسی شده است (Hazbun, 2018; Kamrava, 2018).

بررسی ادبیات موجود از حیث توسعه بینش تاریخی ما نسبت به فرایندهای پویای واپایش نظم، چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه بسیار کمک‌کننده است. از سوی دیگر ادبیات پیچیدگی امکانات و ظرفیت‌های نوینی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد تا واپایش نظم در غرب آسیا و ایران را در بستری متفاوت و متناسب با شرایط نوین منطقه بررسی کند؛ با این حال ناکارآمدی در ادبیات مشهود است. نبود الگویی نوین برای واپایش نظم در غرب آسیا، تأکید بر کارگزاری غربی در واپایش نظم غرب آسیا، بی‌توجهی به درهم‌تنیدگی^۱ سطوح نظم و پیشران‌های واپایش نوین به‌ویژه درهم‌تنیدگی نوپدیدگی و هم‌تکاملی در سطح جهانی و منطقه، بی‌توجهی به بازیگران نوپدید غرب آسیا، شبکه‌ای شدن منطقه غرب آسیا و نتایج برآمده از آن مانند جایگزین‌پذیری و کمبود راهبردهای نوین برای ساماندهی نظم در غرب آسیا، از جمله این ناکارآمدی‌هاست.

با توجه به ناکارآمدی‌های ذکرشده، این پژوهش با بهره‌گیری از بنیان‌های نظری شبکه‌های پیچیده و استفاده از استدلال ربایشی (ابداکتیو)^۲ الگویی نوین برای واپایش نظم در غرب آسیا ارائه می‌دهد که ضمن توجه به عناصر نوپدید و تأثیر آن بر الگوهای نوین واپایش نظم، توجه ویژه‌ای به کارگزاران بومی دارد، و درهم‌تنیدگی روندهای مختلف (نوپدیدگی) در نظم جهانی و منطقه‌ای و تأثیر آن بر واپایش نظم در غرب آسیا را بررسی و راهبردهای نوین و متناسب با شرایط شبکه منطقه‌ای ایران ارائه می‌کند. بدین‌وسیله کاستی‌های ادبیات موجود جبران می‌شود و نگاه نوینی در زمینه واپایش نظم در غرب آسیا به ادبیات موجود افزوده خواهد شد.

۳. نوپدیدگی و واپایش نظم غرب آسیا

مهم‌ترین ویژگی سیستم کنونی این است که رفتارها و ویژگی‌هایی را به نمایش می‌گذارد که از اجزای آن متفاوت است (Jervis, 1997: 6). این سطوح و موجودیت‌های جدید دارای

-
1. Entanglement
 2. Abductive Reasoning

ویژگی‌ها و قدرت‌های نوپدیدی است. بر همین مبنا تحولات در سطوح گوناگون نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد تا ۲۰۲۰ مجموعه‌ای از وقایع پیچیده ناشی از جریان‌های موجود در سیستم را نشان می‌دهد که ویژگی نوپدیدی را در خود جای داده‌اند و در نتیجه واپایش نظم را با تغییرات مهمی روبه‌رو خواهند کرد. جریان نوپدیدی مؤثر بر واپایش نظم در غرب آسیا در دو سطح جهانی و منطقه‌ای به شکل همزمان و درهم‌تنیده شکل می‌گیرد. از جمله ویژگی‌های نوپدید شبکه غرب-آسیا به شرح ذیل است:

الف) *پیدایش همزمان نوکارگزاران جهانی و منطقه‌ای (غرب آسیا):* آنچه در دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۱ برای سیستم تک‌قطبی امریکا رخ داد، با اتفاقی مهم در زمینه ساختار توزیع قدرت شبکه بین‌الملل و زیرشبکه‌های منطقه‌ای همراه شد؛ در سطح جهانی پیدایش قدرت‌هایی مانند چین، هند، روسیه، برزیل و آفریقای جنوبی که در رشد خود به‌حدی رسیده‌اند که دارای قدرت هستند و امکان اثرگذاری بر سیستم را به همین واسطه به‌دست آورده‌اند. در منطقه غرب آسیا نیز افزون‌بر بازیگران برجسته منطقه (عربستان-ایران)، امارات، قطر و ترکیه در جایگاه کارگزاران نوپدید غرب آسیا عمل می‌کنند و به شبکه‌سازی در غرب آسیا تمایل جدی دارند. این همزمانی، عناصر واپایش نظم مانند الگوهای رفتاری، سازه نظم و راهبردها را تغییر می‌دهد و بر الگوهای واپایش نظم تأثیر می‌گذارد. در حوزه راهبردها پیدایش کارگزاران نوین جهانی و منطقه‌ای بر توزیع قدرت منطقه‌ای و در نتیجه موازنه قوا اثر می‌گذارد و سیستم چندلایه پیچیده متشکل از بازیگران محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را در منطقه ایجاد می‌کند (Harrison, 2018: 11). در واقع مشارکت فزاینده این بازیگران در نظم غرب آسیا جهت‌گیری‌های رفتاری بازیگران غرب آسیا را تغییر داده است و برتری منطقه‌ای امریکا را با ارائه ائتلاف‌های عمل‌گرایانه^۱، به چالش می‌کشد. در نتیجه هم‌پیمانان برجسته امریکا به‌طور فزاینده‌ای به بازیگران نوین متمایل می‌شوند تا ترتیبات امنیتی خود را گوناگون سازند (Kausch, 2015: 6).

ب) *بحران‌های نوپدید و همزمانی واگرایی و همگرایی عناصر درونی واپایش نظم در غرب آسیا:* بهار عربی و در پی آن فروپاشی گسترده شبکه منطقه‌ای غرب آسیا درون درگیری‌های داخلی و منطقه‌ای با بازسازی شبکه‌های بومی در غرب آسیا همزمان شده است. شکل‌گیری شبکه اتحادهای سه‌گانه به رهبری ایران، عربستان و ترکیه-قطر، از مهم‌ترین پیامدهای بحران‌های نوپدید بود (Cannon & Donelli, 2020: 6; Amour, 2020: 407).

ج) واگرایی در سطح عناصر بیرونی واپایش نظم در غرب آسیا: تغییر راهبرد امریکا از توازن فراساحلی^۱ به حضور گسترده در غرب آسیا به‌طور همزمان با واگرایی و شکاف‌های گسترده بین واشنگتن و هم‌پیمانان و شرکایش هم در اروپا و هم در غرب آسیا همراه شد.^۲ همزمان با حمله‌های یازده سپتامبر، ایالات متحده توانست اجماعی برای لشکرکشی به افغانستان ایجاد کند؛ مداخله نظامی امریکا در غرب آسیا با افغانستان آغاز شد و مجموعه‌ای از رویدادها را در پی داشت که به کاهش پشتیبانی از راهبرد بزرگ امریکا برای استواری نظم امریکایی انجامید. جنگ عراق این ائتلاف را زیر فشار قرار داد و فروپاشی هواداری گسترده از رهبری امریکا را آغاز کرد (Jones, 2020: 3). بحران مالی ۲۰۰۸ و تردید در مدیریت درست و آسیب‌های ناشی از آن ضربه دیگری بر نظم موجود بود. این چالش‌ها، به‌ویژه جنگ عراق به اعتبار امریکا و به پندارها از قدرت شکست‌ناپذیر این کشور آسیب رساند (Cooley & Nexon, 2020: 2). در نتیجه واگرایی نسبت به عنصر بیرونی و مهم واپایش نظم در غرب آسیا یعنی امریکا تشدید شد.

د) شبکه‌ای شدن نظم جهانی و غرب آسیا: همزمانی پیدایش بازیگران جهانی و غرب آسیا موجب مشارکت و اصلاح ساختارهای نظم موجود و ابداع نظم‌های جدید شد. این فرایند سطوح جدیدی از روابط شبکه‌ای را ایجاد کرد. در نتیجه شبکه گسترده و ژرفی از نهادها، تعهدها و روابط چندجانبه بخش‌های بزرگی از جهان را به هم پیوند می‌دهد که قدرت‌های نوپدید به‌عنوان راهی برای تغییر شکل سیستم و نیرویی برای افزایش منافع و ارزش‌های خود، بهره می‌برند (Jones, 2020: 5). ایجاد شبکه‌های جدید قدرت در منطقه به‌منظور دور زدن نظم موجود و مقاومت در برابر ساختارهای پیشین نیز پیگیری می‌شود و بدین‌شکل نوکارگزاران اصول اساسی خود را برای ساختار روابط بین‌الملل در سطح جهانی و منطقه ارتقا می‌دهند (Keukeleire & Hooijmaaijers, 2014: 583). بازیگران غرب آسیا طی یک دهه گذشته به شکل گسترده به شبکه‌سازی نیمه‌مستقل روی آورده‌اند. افزایش تهدیدها برای بقای کشورهای منطقه موجب ایجاد سیاست خارجی جدید و اتحادهای جدیدی در میان برخی کشورها شده است تا مسئولیت‌های امنیتی منطقه را به شکلی بر عهده بگیرند، مداخله در بحرین و سوریه، جنگ یمن، بحران قطر در ۲۰۱۷ و بحران سیاسی لبنان در همین راستاست (Quero & Dessì, 2019: 327) که موجب شبکه‌سازی‌های قدرت در غرب آسیا می‌شود. این فرایندهای نوپدید

1. Offshore Balancing

۲. نای معتقد است مشکلات برآمده از نظم لیبرال‌دموکراسی امریکایی موجب واگرایی روزافزون دیدگاه‌ها در مورد نظم، اعضای آن، جایگاه آنها در جهان، میراث و گلايه‌های تاریخی آنها شد و امروز کمتر انترناسیونالیسم لیبرال را به‌عنوان جامعه‌ای که روایتی مشترک از گذشته و آینده خود دارد می‌انگارند (Nye, 2019: 83).

بازاندیشی در ترتیبات واپایش نظم را ناگزیر ساخته و به شکل‌گیری نوپدیدگی در ابعاد گوناگون واپایش نظم در غرب آسیا منجر شده است:

♦ **نوپدیدگی در الگوی واپایش نظم:** الگوی واپایش نظم از الگوی ساده و خطی به الگوی واپایش پیچیده و به شکل شبکه‌محور تبدیل شده است. الگوی واپایش اعمالی از سوی امریکا برای شکل دادن به نظم منطقه در قالب واپایش نیابتی و تقویت گروه‌هایی مانند داعش، واپایش از راه تقویت همزمان بی‌ثباتی درونی برخی کشورهای غرب آسیا به منظور اختلال در شبکه واپایش مقاومت، همزمانی بحران‌سازی از درون و فشار شبکه‌ای از بیرون به کمک نهادها و ساختارهای حقوقی رسمی و غیررسمی بر شبکه‌های رقیب به‌ویژه شبکه ایران است. از سوی دیگر، الگوی واپایش بومی غیرخطی از راه شبکه‌سازی به دست ایران در دستور کار قرار دارد.

♦ **نوپدیدگی در اصول واپایش نظم:** امروزه واپایش غرب آسیا به‌عنوان مهم‌ترین نمود نظم پیچیده به‌شدت به اصول نوپدید شبکه‌های پیچیده یعنی ارتباطات و اصول پیچیدگی وابسته است. در این میان قواعد نبود تقارن و پیوند بین سطوح در قالب جنگ‌های چندسطحی و هیبریدی در غرب آسیا بروز می‌کند و بر واپایش نظم اثرگذار است.

♦ **اهداف نوپدید:** تمرکز بر ارتباطات به‌عنوان عنصر بنیادین نوپدیدگی در غرب آسیا، بازیگران منطقه را بر سازه‌های ارتباطی متمرکز می‌کند و اهداف واپایش را در راستای ایجاد، تغییر، تکامل و حذف سازه‌های ارتباط‌محور قرار می‌دهد. تمرکز بر تغییر سازه غرب آسیا در قالب خاورمیانه بزرگ، تلاش برای تغییر سازه کشورها، بحران و بی‌نظمی در سوریه، عراق، لبنان و فشارها بر ایران از جمله اهداف امریکا برای واپایش ارتباط‌محور در منطقه است. از سوی دیگر، تلاش برای گسترش سازه‌های ارتباطی بومی در قالب شبکه مقاومت از دیگر اهداف نوپدید است.

♦ **وضعیت‌های محیطی نوپدید:** غرب آسیا اکنون در وضعیت غیرعادی است. از سویی، واپایش‌کننده‌های بومی وابسته و غیروابسته در حال شکل‌گیری‌اند، و عناصر غیربومی برتری‌خواه مداخله‌های غیرنظامی خود را به‌شدت افزایش داده‌اند. از سوی دیگر، سطوح موضوعی نوین و درهم‌تنیده موجب بروز بحران‌های نوپدید شده است. بر این اساس، بی‌ثباتی راهبردی و بحران در منطقه شدت گرفته است. ویژگی‌های بنیادین این بحران‌ها دربرگیرنده گوناگونی و بی‌شماری در گونه‌های بحران، پیوند بین بحران‌ها، شبکه‌ای شدن بحران، درهم‌تنیدگی بحران‌های جهانی و منطقه غرب آسیا، و تراکم کارگزاران فعال در منطقه است که بر افزایش یا کاهش بحران‌های غرب آسیا تأثیر می‌گذارند.

نوپدیدگی در غرب آسیا به منزله یک اصل دگرگون‌کننده برای واپایش نظم عمل می‌کند که ادبیات موجود در روابط بین‌الملل چارچوب مناسبی برای آن ارائه نمی‌دهد، بنابراین ارائه چارچوب نظری متناسب با این واقعیت‌ها به منظور تبیین الگوی واپایش نوین نظم با اهمیت است.

۴. چارچوب نظری

نظام بین‌الملل بستر شکل‌گیری نظم بین‌الملل است. نظم بر اساس توزیع قدرت در سیستم شکل می‌گیرد (Waltz, 1979: 102) و مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری در حال شکل‌گیری و تعامل را ایجاد می‌کند. واپایش نظم به دنبال ساماندهی به این روابط و الگوهای رفتاری به منظور رسیدن به نقطه مطلوب است. با تحول در نظم، الگوهای واپایش نیز بر اساس قواعد جدید تنظیم خواهند شد. هرچند واپایش نظم تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته است، ولی واپایش نظم در نظام بین‌الملل مدت‌ها در چارچوبی ساده و ایستا مطالعه می‌شد، این در حالی است که جهان همواره در حال تکامل در بستری پیچیده است. بنابراین ارائه الگوی واپایش نظم بین‌الملل با توجه به همزمانی فرایندهای پویا و عناصر ایستا در یک ساختار متحول ضروری است. شبکه بین‌الملل جهانی نمود بارز فرایند همزمانی و هم‌تکاملی است، برای اینکه سطوح گوناگون و درهم‌تنیده‌ای از نظم‌ها، موضوع‌ها، بازیگران و راهبردها را در قالب شبکه‌های تودرتو در خود جای داده و شبکه‌ای پیچیده را به وجود آورده است؛ بنابراین تحول در چارچوب الگوهای واپایش نظم بایسته نظام بین‌الملل برای بهبود و ساماندهی آن به شمار می‌آید. بر این اساس، واپایش شبکه‌ای نامتمرکز به عنوان الگوی مناسب برای واپایش نظم ارائه می‌شود. به منظور ارائه الگوی واپایش نظم در چارچوب شبکه پیچیده، توجه به الگوی واپایش نظم، پویایی‌های واپایش شبکه‌ای، اصول بنیادین، وضعیت‌ها، اهداف، کنش‌ها، قواعد و راهبردهای واپایش شبکه‌ای بایسته است. اجزای الگوی واپایش شبکه‌ای نامتمرکز دربرگیرنده موارد زیر می‌شود:

۱. ۴. اصول واپایش شبکه‌های پیچیده

الگوی واپایش شبکه‌ای بر مبنای مجموعه‌ای از اصول نظریه پیچیدگی و شبکه استوار است. همبستگی اصول این دو نظریه مطالعه فرایندهای پویا و ساختارهای در حال دگرگونی را به شکل همزمان ممکن خواهد کرد. بر این اساس، برهم‌کنش اجتماعی به طور کلی و برهم‌کنش بین‌المللی به طور ویژه، می‌تواند به مثابه مجموعه‌ای از شبکه‌ها تصور شود (Maoz et al., 2005: 35) که به شکل غیرخطی عمل می‌کنند. مهم‌ترین اصول شکل‌دهنده به واپایش شبکه‌ای عبارت‌اند از:

■ **قدرت در قالب ارتباطات:** مفهومی که از نگرش تحلیل شبکه‌های اجتماعی وارد روابط بین‌الملل شده است. در این نگرش بازیگران در شبکه‌های مترابلی از کنش‌ها و برهم‌کنش‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند و بدین ترتیب چگونگی پیکربندی بازیگران خودسامان برای ایجاد جوامع پایدار و کارا را به‌خوبی تبیین می‌کنند (Borgatti et al., 2009: 892)؛

■ **عناصر پیچیدگی:** غیرخطی بودن، شاخه‌ای شدن نظم، وابستگی حساس، قانون قدرت، و‌اپایش چرخه‌ای، تکامل و نبود تقارن قدرت (قاسمی، ۱۳۹۲: ۶۵-۷۲).

۲. ۴. پویایی‌های بنیادین در و‌اپایش شبکه‌ای

پویایی‌های و‌اپایش نظم موجب شبکه‌ای شدن سیستم می‌شوند و در نتیجه الگوهای و‌اپایش نظم را متحول می‌کنند. این پویایی‌ها عبارت‌اند از:

- **درهم‌تنیدگی نظم‌های جهانی و منطقه‌ای:** توجه به مؤلفه‌های بیرونی و درونی همواره از اصول کنترل در انواع نظام‌ها به‌شمار می‌آید. نظام بین‌الملل امروزه بازتاب‌دهنده کامل تأثیر درهم‌تنیدگی نظم‌های جهانی و منطقه‌ای بر الگوهای و‌اپایش نظم است؛
- **درهم‌تنیدگی فرایندهای هم‌تکاملی جهانی و منطقه‌ای:** شبکه‌های پیچیده بر برهم‌کنش بین یک سیستم و محیط آن و توسعه همزمان سیستم و محیط تمرکز دارند. همزمانی این فرایندهای پیچیده در شبکه‌های گوناگون موجب هم‌تکاملی می‌شود و الگوی و‌اپایش نظم را دگرگون می‌کند؛
- **درهم‌تنیدگی نوپدیدگی در سطح جهانی و منطقه:** درهم‌تنیدگی تحولات نوپدید در سطوح گوناگون نظام بین‌الملل، پویایی بنیادی تغییر و‌اپایش نظم است؛
- **درهم‌تنیدگی توازن ساختاری در سطوح جهانی و منطقه‌ای:** زمانی که سه پویایی بالا شکل گرفتند، در نهایت توازن ساختاری ایجاد می‌شود. توازن ساختاری جایگاه و نقش بازیگران در شبکه را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توانیم براساس جایگاه و نقش بین‌المللی یکسانی که کشورها یا گروه‌ها در نظام بین‌الملل در اختیار می‌گیرند، آنها را به لحاظ ساختاری همسان فرض کنیم. این مسئله موجب رفتارهای همسان بازیگران در سیستم نیز می‌شود و از راه وابستگی به یک گروه یا موقعیت ویژه شناسایی‌شدنی است (Hafner-Burton & Montgomery, 2006: 7).

۳. ۴. قواعد و‌اپایش شبکه‌ای

قاعده بنیادین و‌اپایش شبکه‌ای مرکزیت است که پویایی‌های ذکرشده این قاعده را متحول کرده و قواعد طراحی و‌اپایش را از متمرکز به سمت نامتمرکز دگرگون می‌کند. در همین زمینه نبود تمرکز در قوانین، دسترسی نداشتن کامل به اطلاعات، انتقال روند و‌اپایش از یک واحد به

واحدهای بسیار، اهمیت یافتن سایر واحدها و پردازش‌های چندگانه به‌عنوان قواعد وپایش نامتمرکز مطرح می‌شوند.

۴.۴. اهداف وپایش شبکه‌ای

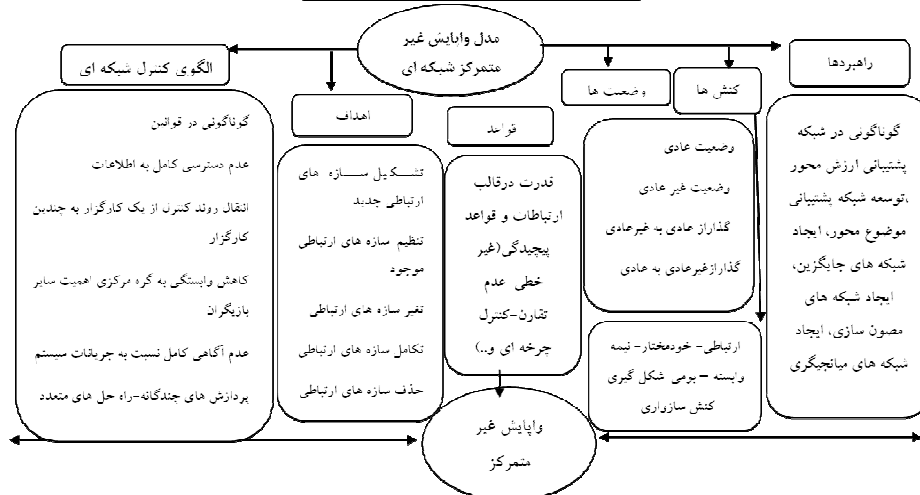
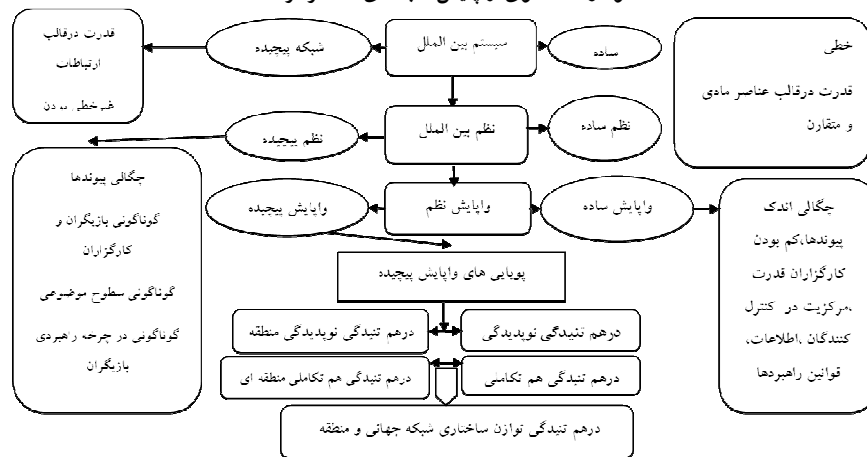
وپایش شبکه‌ای بر منطق ارتباطات استوار است، بنابراین هدف در یک الگوی وپایش شبکه‌ای، توجه به سازه‌های ارتباطی است. بر این مبنای، اهداف زیر برای الگوی وپایش شبکه‌ای پیشنهاد می‌شوند: تشکیل سازه‌های ارتباطی جدید، تنظیم سازه‌های ارتباطی موجود، تغییر سازه‌های ارتباطی، تکامل سازه‌های ارتباطی و حذف سازه‌های ارتباطی موجود.

۴.۵. وضعیت‌های الگوی وپایش شبکه‌ای

وضعیت بیانگر حالت‌های سیستم است که براساس معیار تعادل و بی‌تعادلی و شدت آن سنجیده می‌شود و به وضعیت عادی، غیرعادی، گذار از عادی به غیرعادی و گذار از غیرعادی به عادی (قاسمی، ۱۳۹۷: ۳۳) تقسیم می‌شود.

عناصر تشکیل‌دهنده الگوی وپایش نامتمرکز مجموعه‌ای منسجم از اجزاست که تبیین وپایش در سیستم بین‌الملل در حال تحول کنونی را ممکن می‌کند. نمودار ۱ اجزا و ساختار این الگو را نشان می‌دهد.

نمودار ۱. الگوی وایش شبکه‌ای نامتمرکز



منبع: نگارندگان

۵. سیر تاریخی وایش نظم در شبکه منطقه‌ای ایران در غرب آسیا

غرب آسیا پیشینه‌ای طولانی در تاریخ دارد و الگوهای گوناگونی از نظم و وایش را تجربه کرده است که می‌توان شش دوره تاریخی را از سده شانزدهم تاکنون برای آن تعیین کرد. در این زمینه نوع نظم، الگوی وایش، وایش‌کننده، زنجیره تأمین کالاهای عمومی و ابزارهای وایش نظم بر مبنای چهار معیار مرکزیت، وابستگی، بومی-غیربومی و ساده-شبکه‌ای بررسی می‌شود. الگوی وایش نظم غرب آسیا طی سده شانزدهم تا میانه سده هجدهم الگویی بومی، متمرکز و ساده بود، ولی تحولات سده‌های هجدهم و نوزدهم، همزمانی چرخه‌های قدرت امپراتوری‌ها و تأثیر این همزمانی بر فراز و فرود قدرت‌ها را به‌خوبی نمایان می‌کند. در

سده هجدهم با کاهش تدریجی قدرت در امپراتوری‌های ایران و عثمانی از یک سو و روند رشد و توسعه قدرت‌های اروپایی از سوی دیگر، شرایط خوبی برای چیرگی اروپا فراهم شد که مقدمات واپایش غیربومی غرب آسیا را برای دهه‌های بعد ایجاد کرد. در نتیجه ایران با گذشت زمان به بازیگری واپایش‌شونده تبدیل شد و غرب آسیا به منزله منطقه‌ای برای برتری‌جویی در رقابت سایر قدرت‌ها به تصویر کشیده شد (Hollis, 2010: 6).

در سده بیستم قدرت مهم‌ترین بازیگر غرب آسیا یعنی ایران در پایین‌ترین سطح خود قرار داشت و امپراتوری عثمانی فرو پاشید. سال‌های جنگ جهانی اول و دوم واپایش در وضعیت گذار بود. در ۱۹۴۵ نظم دوقطبی، امریکا و شوروی را به واپایش‌کنندگان سیستم تبدیل کرد. جنگ جهانی دوم و پیدایش نفت امریکا را بیش از پیش به غرب آسیا متوجه کرد (Hahn, 2005: 5). در همین زمینه ایالات متحده برای محافظت از منافع راهبردی خود در غرب آسیا مجموعه‌ای از سیستم‌های امنیتی در منطقه ایجاد کرد. انقلاب ایران سیاست امریکا در غرب آسیا را زیر سؤال برد و دکترین نیکسون پس از انقلاب ایران در ۱۹۷۹ متلاشی شد (Arafat, 2020: 88). این مسئله تشکیل نیروهای واکنش سریع^۱ را در منطقه به دنبال داشت که زمینه مداخله نظامی - سیاسی گسترده در منطقه در سال‌های بعدی را فراهم کرد. در اواخر این دوران امریکا به علت برتری اقتصادی - نظامی تأمین‌کننده برجسته کالای منطقه‌ای غرب آسیا شد.

سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۱ دوره فرایندهای دوگانه، با محدودیت‌های ساختار قدرت جهانی در کنترل نظم شبکه منطقه‌ای ایران همراه بود؛ همزمانی سلطه امریکا با شبکه‌سازی ایران در غرب آسیا مهم‌ترین ویژگی این دوره است. تلاش‌های جدی برای بومی‌سازی و شبکه‌ای کردن منطقه از سوی ایران در این دوران رخ داد. حمله امریکا به عراق که جایگزین موازنه فراساحلی امریکا در غرب آسیا شد و نسخه شکست امریکا پس از جنگ سرد لقب گرفت (Mearsheimer & Walt, 2016: 76)، نقطه عطف تغییر دستور واپایش نظم در شبکه ایران بود. این جنگ قدرت ایران را که به‌طور سنتی به‌وسیله عراق متوازن شده بود، افزایش داد (Fawcett, 2013: 332). آموزه‌های جنگ هشت‌ساله در کنار پویایی‌های شبکه منطقه‌ای و جهانی فرصت خوبی را برای کارگزاری فعال ایران در منطقه فراهم کرد و واپایش نظم غرب آسیا با گذشت زمان به سمت الگوی شبکه‌ای نامتمرکز حرکت کرد. سیر تاریخی الگوهای واپایش نظم در شبکه منطقه‌ای ایران در غرب آسیا در جدول ۱ نشان داده شده است

1. Rapid Deployment Force

جدول ۱. سیر تاریخی الگوی واپایش نظم در غرب آسیا از سده شانزدهم تاکنون

ابزارهای واپایش	زنجیره تأمین کالای عمومی	واپایش‌کنندگان	گونه واپایش	گونه نظم	زمان
امپراتوری	بومی	بومی (ایران محور)	متمرکز-بومی	نظم امپراتوری متمرکز قدرت در غرب آسیا	سده ۱۶ تا میانه سده ۱۸
توازن قوا، کمپانی هند شرقی	غیربومی	کاهش نقش بازیگران بومی؛ افزایش نقش مداخله‌گر	متمرکز-غیربومی	نظم وستفالیای، فرسایش نظم‌های بومی	سده‌های ۱۸ و ۱۹
تهدید، ارباب، نفوذ	غیربومی	گذاری-غیربومی؛ (انگلیس محور)	گذار-غیربومی	نظم گذاری	دو جنگ جهانی
رژیم رسمی-غیررسمی	غیربومی	غیربومی؛ (امریکا محور)	متمرکز-غیربومی	نظم دوقطبی جهانی، موازنه منطقه‌ای	۱۹۹۱-۱۹۴۵
جنگ، پایگاه‌سازی، جذب بازیگران منطقه در نهادهای لیبرال	غیربومی-وابسته	امریکا	متمرکز-غیربومی	نظم تک‌قطبی جهانی، نظم وابسته در غرب آسیا	۲۰۱۱-۱۹۹۱
شبکه‌سازی	بومی-وابسته (کشورهای خلیج فارس)؛ بومی-مستقل (محور مقاومت)	افزایش قدرت بازیگران؛ منطقه‌ای به‌ویژه ایران	شبکه‌ای	نظم پیچیده، فرسایش نظم تک‌قطبی جهانی	۲۰۱۱ تاکنون

منبع: نگارندگان

۶. قواعد الگوی واپایش نامتمرکز در شبکه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

با شبکه‌ای شدن منطقه غرب آسیا، ساختار شبکه با گذشت ۲۵۰ سال در حال استقلال عمل از نظم لیبرال است و مراکز نوین قدرت جهانی و منطقه‌ای در حال شکل‌گیری است. ایران در جایگاه بازیگر مهمی که فرایند کارگزاری خودمختار خود را پس از انقلاب ایران آغاز کرده است، به سازش با این شرایط نیازمند است. بر این اساس توجه به تلاقی نظم‌های شبکه‌های جهانی و زیرشبکه غرب آسیا ساختار نامتمرکز را در هر دو سطح نشان می‌دهد. در چنین شرایطی در شبکه‌ای منطقه‌ای پیچیده و بی‌معیار، مهم‌ترین بنیان در واپایش شبکه‌ای سازواری با نبود تمرکز است. بر این اساس همسانی با قواعد نبود تمرکز در شبکه‌سازی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا می‌تواند سازگاری با شرایط پیچیدگی، نبود اطمینان، پویایی و حساسیت را افزایش دهد. واپایش نامتمرکز غرب آسیا دارای قواعد زیر است:

۱. *انتقال روند واپایش*: با توجه به فراوانی بازیگران متوازن ساختاری در دو سطح جهانی و منطقه‌ای و انتقال روند واپایش از یک بازیگر به چندین بازیگر، جایگزین‌پذیری اهمیت می‌یابد. در این میان بازیگران غرب آسیا می‌کوشند در شبکه‌های نوین جهانی ادغام شوند (Peña, 2021).

۲. *قوانین*: به‌علت ساختار نامتمرکز قدرت و شکل‌گیری نظم نامتمرکز قوانین شبکه از نبود تمرکز پیروی می‌کنند. نبود تمرکز در قوانین از ارکان اساسی در واپایش غرب آسیاست. با تغییر مرکزیت ارتباطات در سیستم، ساختار قدرت دگرگون خواهد شد و مرکزیت قوانین تغییر خواهد کرد. قوانین نامتمرکز چه‌بسا فرایند دسترسی به اطلاعات را برای بازیگران دیگر کاهش می‌دهد.

۳. *اطلاعات*: از ارکان واپایش نامتمرکز، دسترسی نداشتن کامل به اطلاعات است. در شبکه‌های نامتمرکز جریان اطلاعات به‌عنوان رکن مهم واپایش چندپاره می‌شود. در این شرایط در شبکه غرب آسیا، بازیگران وابستگی کمتری به یک واحد دارند، تمرکززدایی در سیستم از راه گوناگونی در قوانین و دسترسی نداشتن کامل به اطلاعات در دو سطح شبکه جهانی و زیرشبکه غرب آسیا شکل می‌گیرد. بنابراین در شبکه ایران در غرب آسیا مشارکت در هر نهاد یا رژیم‌هایی که خواهان تمرکز قوانین و در نتیجه دسترسی به اطلاعات است، نیاز به تأمل و احتیاط دارد، زیرا داده‌ها امروز به ابزار مهم واپایش تبدیل شده‌اند.

۴. *خطی و غیرخطی‌سازی*: خطی و غیرخطی‌سازی شبکه‌های همکاری و رقابت از ویژگی‌های واپایش نامتمرکز غرب آسیاست.

۵. *ناآگاهی در زمینه جریان‌های سیستمی*: ناآگاهی کامل از جریان‌های سیستمی در همه واپایش‌های نامتمرکز (Azadegan & Dooley, 2011: 422) مانند شبکه غرب آسیا مشاهده می‌شود.

۶. *توجه به ارائه چندین راه‌حل برای چالش‌های واحد*: تمایل به گوناگون‌سازی در دستور کار بازیگران غرب آسیا قرار دارد (Kausch, 2015: 10; Anas, 2020: 434; Fulton, 2020: 9).

۷. *واپایش خودسامان (شکل‌گیری واپایش‌کننده‌های بومی)*: با اعمال موارد بالا فرایند نوآوری در شبکه غرب آسیا افزایش می‌یابد؛ نوآوری در نهایت موجب افزایش سازواری در واپایش نظم می‌شود که مانایی سیستم را به ارمغان خواهد آورد و سبب شکل‌گیری واپایش‌کننده‌های بومی در منطقه می‌شود که به شکل خودسامان سیستم را اداره می‌کند.

۷. ایران و واپایش شبکه‌ای در غرب آسیا

یکی از نتایج فرایندهای نوپدیدگی و هم‌تکاملی در سیستم بین‌الملل شبکه‌ای شدن منطقه غرب

سیاست. شبکه‌ای شدن و‌پایش نظم در غرب آسیا به شکل افزایش بازیگرانی که به لحاظ توانایی‌های مادی و غیرمادی جایگاه کمابیش یکسانی در سیستم دارند، در قالب توازن ساختاری در دو سطح جهانی و غرب آسیا روی داده است. کاهش قدرت امریکا همزمان با افزایش ثروت کشورهای نوپدید^۱ در جهان و غرب آسیا، کاهش تمایل امریکا برای درگیری در منطقه، سیاست محور آسیا و انقلاب گاز شیل از جمله تحولاتی است که در نتیجه آن بازیگران غرب آسیا که تا مدت‌ها پیش به کارگزاری فعال و مستقل در منطقه نمی‌پرداختند و اراده‌ای برای عمل مستقلانه نداشتند، کم‌کم شبکه‌های خود را در منطقه ایجاد کردند. در این بین راهبرد اوباما در کاهش اطمینان بین بازیگران منطقه‌ای بسیار مؤثر بود، چراکه سیاست خارجی او بین تقویت و برهم زدن وضع موجود در حال نوسان بود (Quero & Dessì, 2019: 318). امروزه ایالات متحده به عملیات بزرگ جنگی و درگیری‌های بین‌المللی در منطقه تمایل ندارد (Bazoobandi, 2019: 105) و فرایند دگرگونی و حساسیت منطقه افزایش یافته است. از سوی دیگر، جایگزین‌پذیری به‌منزله یکی از پیامدهای شبکه‌ای شدن غرب آسیا در دستور کار بازیگران منطقه‌ای قرار دارد که انگیزه‌ای برای کشف مکان‌های جدید همکاری و ایجاد اتحادهای جدید با دیگر قدرت‌های جهانی و دیگر بازیگران منطقه‌ای ایجاد می‌کند. شبکه‌ای شدن و‌پایش نظم شرایط زیر را برای جمهوری اسلامی ایران رقم می‌زند:

- وجود چندین مرکز قدرت در غرب آسیا؛
- افزایش همسانی رفتاری: ساختار نامتمرکز غرب آسیا بر رفتار بازیگران تأثیر می‌گذارد. بر این اساس، همسانی رفتاری از کشورها با موقعیت‌های معادل ساختاری انتظار می‌رود؛
- در نتیجه رفتار همسان بازیگران متوازن ساختاری در غرب آسیا، هریک در حال ایجاد شبکه‌های منطقه‌ای خود هستند؛
- بازیگران دولتی و غیردولتی برای تأمین کالای منطقه‌ای و منافع خود شبکه‌های چندسطحی با مراکز چندگانه قدرت منطقه‌ای و جهانی ایجاد می‌کنند؛
- کاهش وابستگی کارگزاران شبکه غرب آسیا از شبکه ایالات متحده؛
- هسته‌های قدرت در شبکه غرب آسیا به لحاظ ساختاری کمابیش متوازن هستند.
- وجود بازیگران متوازن ساختاری جایگزین‌پذیری را در غرب آسیا رایج‌تر می‌کند؛
- بازیگران دولتی و غیردولتی در غرب آسیا در حال جذب در شبکه‌های قدرت هستند؛
- شکل‌گیری اتحادهایی نیمه‌مستقل بین بازیگران منطقه‌ای، مانند شبکه اتحادی بین قطر-ترکیه، امارات-عربستان، ایران با کشورهای محور مقاومت (Amour, 2020: 407). این بازیگران فراتر از اتحادهای خود نیز به‌تنهایی شبکه‌سازی می‌کنند؛

1. Emerging Countries

■ ادامه بحران‌ها: هرچند در غرب آسیا امکان برقراری روابط بین واحدهایی که به لحاظ ساختاری مشابه هستند، وجود دارد، ولی رقابت بر سر منابع می‌تواند در برقراری رابطه تأثیر منفی بگذارد. این بازیگران تا زمانی که در رقابت برای منابع نباشند، ممکن است روابط ایجاد کنند (Hafner-Burton *et al.*, 2009: 563)؛ اگرچه رقابت بر سر منابع همچنان در غرب آسیا تداوم دارد.

بر این مبنا الگوی واپایش نظم جمهوری اسلامی در غرب آسیا بیش از پیش نامتمرکز و شبکه‌ای شده است و ایران در جایگاه یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای به‌منظور بقا در شبکه‌ای پیچیده نامتمرکز به دو بنیان مهم گوناگونی و شبکه‌سازی به‌عنوان پیش‌نیاز راهبرد شبکه‌ای نیاز دارد.

۸. ایران و راهبردهای شبکه‌ای واپایش نظم در غرب آسیا

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در واپایش شبکه‌ای غرب آسیا بر دو بنیان هدایت‌شونده قرار دارد: راهبرد نبود تمرکز و غیرخطی کردن شبکه خودی (ایران)؛ و از سوی دیگر خطی‌سازی شبکه‌های بازیگران رقیب در منطقه. از آنجا که شبکه غرب آسیا یک شبکه بی‌معیار است و چندین مرکز قدرت در آن حضور دارند، خطی کردن شبکه‌های رقیب بسیار سخت، زمان‌بر و پرهزینه است. بنابراین نامتمرکز کردن شبکه ایران در غرب آسیا اهمیت پیدا می‌کند. بدین‌منظور در دو سطح شبکه جهانی و زیرشبکه غرب آسیا راهبرد مقاومتی - مشارکتی از راه شبکه‌سازی به شکل زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. *ایجاد شبکه‌های جایگزین*: این‌گونه شبکه‌سازی به‌عنوان راهبردی بلندمدت مطرح است که کارکرد ناشی از آن به زمان نیاز دارد، همچنین شبکه‌های تعویض‌پذیر کارایی زیادی در سطح سیستمی دارند (Flemes, 2013: 1022). جایگزین‌های نوین در سیستم راه‌حل‌های گوناگون برای رسیدن به اهداف را ارائه می‌دهند و بدین‌ترتیب درجه سازواری افزایش می‌یابد و وابستگی شبکه را به یک بازیگر یا شبکه واحد در سطح اقتصادی و امنیتی کاهش خواهد داد. این امر با منطق پیچیدگی و پویایی در غرب آسیا همخوانی دارد و خطر را کم می‌کند. امروزه به‌منظور رهایی از فشارهای سیستمی ناشی از شبکه قدرت امریکا توجه به تقویت شبکه‌هایی که به سمت پراکندگی قدرت تمایل دارند، اهمیت یافته است. عضویت در سازمان همکاری شانگهای^۱، بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا^۲ و مشارکت در «ابتکار کمربند و جاده»^۳ از جمله گزینه‌های تعویض‌پذیر به‌شمار می‌آیند.

1. Shanghai Cooperation Organization
2. Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)
3. Belt and Road Initiative (BRI)

۲. ایجاد شبکه‌های میانجی‌گری: شبکه‌های میانجی‌گری سازوکارهای گذرایی هستند که دولت‌ها را برای حل یک مشکل امنیتی ویژه گرد هم می‌آورد (Flemes, 2013: 1022). مشارکت‌کنندگان در این شبکه‌ها همواره ارزش‌ها و منافع مشترک ندارند. با توجه به اینکه ایران در شبکه غرب آسیا بیشتر یکی از طرفین منازعه است، باید تمرکز خود را بر ایجاد شبکه‌های میانجی‌گری در سایر مناطق همسایه قرار دهد. استفاده از این شبکه‌سازی و مشارکت در روندهای آن به افزایش قدرت نرم ایران بسیار کمک می‌کند. نوآوری در ایجاد شبکه میانجی‌گری برای حل درگیری بین هند و پاکستان از نمونه‌های راهبرد شبکه‌سازی میانجی‌گری است.

۳. گوناگونی در شبکه پشتیبانی ارزش‌محور: در شبکه‌های بی‌معیار حول محور گره‌های برجسته مجموعه‌ای از پیوندها شکل می‌گیرد که نوعی از شبکه به‌عنوان دسته‌ها را شکل می‌دهند. این شبکه‌ها بیشتر براساس منافع و ارزش‌های کم‌وبیش مشترک شکل می‌گیرند. محور مقاومت در شبکه غرب آسیا در واقع گروه یا شبکه پشتیبانی ایران است. به‌منظور سازواری با پویایی‌ها و فضای نامطمئن منطقه، گوناگون‌سازی درونی شبکه، آسیب‌پذیری را کاهش خواهد داد. به‌علت پرشماری قومی-مذهبی در شبکه غرب آسیا، ایجاد و گسترش پیوندها با نیروهای قومی و مذهبی ناهمسان در کنار حفظ هسته برجسته بسیار درخور اهمیت است.

۴. ایجاد شبکه پشتیبان موضوع‌محور: شبکه‌های پشتیبان موضوع‌محور نیز براساس منافع کم‌وبیش مشترک و قوی شکل می‌گیرند، ولی نقش معیارهای ارزش‌محور در آنها کم می‌شود. توجه به این راهبرد در سطح جهانی برای جمهوری اسلامی ایران بااهمیت است. این نوع شبکه‌ها در مقاومت غیرارزش‌محور در سطوح جهانی بسیار تأثیرگذارند، و دامنه گوناگونی از موضوع‌های پولی تا محیط زیستی را در برمی‌گیرند.

۵. مصون‌سازی راهبردی^۱: مصون‌سازی گزینه مناسبی برای مناطق حساس، پویا و نامطمئن است، به لحاظ ساختاری مصون‌سازی راهبردی به‌ویژه برای دولت‌های درجه دوم، در یک سیستم تک‌قطبی نامتمرکز، درخور است (Tessman, 2012: 203). این راهبرد به‌ویژه برای دو گروه از کشورها مناسب خواهد بود: ۱. آنهایی که بی‌بهره یا کم‌بهره از مجموعه ساختارها و امکانات مدیریت‌شده از سوی قدرت برتر (مانند نظام پولی بین‌المللی، جریان‌های حمل‌ونقل بین‌المللی، و حفاظت از آبراه‌های بزرگ جهانی) هستند؛ ۲. آنهایی که در شبکه‌های نامتمرکز مانند غرب آسیا و شبکه‌های همجوار قرار دارند، زیرا فرایندی از موافقت و مخالفت در مورد

مسائل گوناگون را در بردارد. مصون‌سازی راهبردی در شبکه منطقه‌ای ایران بیشتر به نوع تعامل بین قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های نوپدید مربوط می‌شود تا ضمن گسترش قدرت از برخورد مستقیم با قدرت‌ها پرهیز شود. این راهبرد از سوی عوامل غیرنظام‌مند تصادفی توضیح داده می‌شود و به‌طور مستقیم بر اثر سایر نیروهای تصادفی، مانند شرایط آبی محیط‌های ژئوپلیتیکی مورد توجه قرار می‌گیرد (Korolev, 2016: 5-6). از این رو ایران می‌تواند ضمن موازنه با روسیه برای مقابله با امریکا به‌طور همزمان در رقابت ژئوپلیتیک منطقه‌ای کم‌شدت با روسیه شرکت کند و از راهکارهای مهار و همکاری با کشورهای قفقاز برای گسترش نفوذ و قدرت خود استفاده کند تا گزینه دیگری برای محافظت از خود در پیچیدگی‌های اختلاف‌های منطقه‌ای پیدا کند.

۹. نتیجه

شبکه منطقه‌ای ایران در غرب آسیا شبکه‌ای پیچیده، پویا و نامطمئن است که همزمانی پویایی‌های نظم جهانی و منطقه‌ای تأثیر فزاینده بر تحولات الگوی واپایش نظم آن دارد. بر این اساس سیر تاریخی واپایش نظم در غرب آسیا نشان داد که از سده هجدهم تا اوایل سده بیست و یکم عنصر غالب در شبکه ایران در غرب آسیا تمرکز در اجزای واپایش نظم بوده است. به همین ترتیب، واپایش‌کنندگان بومی طی این مدت نقش بسیار کم‌رنگی داشته‌اند. هرچه به زمان حال نزدیک‌تر می‌شویم، پیچیدگی‌های سطوح جهانی و منطقه‌ای همزمان به فرایندهای نوپیدگی و هم‌تکاملی به‌عنوان پیشران‌های واپایش نوین منجر شده است. دستاورد این فرایندها شبکه‌ای شدن واپایش نظم در غرب آسیاست که منطق واپایش نظم در غرب آسیا را متحول کرده است. الگوی واپایش درخور این شرایط الگوی واپایش شبکه‌ای نامتمرکز است که در آن مهم‌ترین بنیاد واپایش شبکه، سازواری با نبود تمرکز است. تمرکززدایی در سیستم از راه گوناگونی در قوانین و دسترسی نداشتن کامل به اطلاعات، راه‌حل‌های گوناگون، افزایش سازگاری و نوآوری شکل می‌گیرد. این مسئله سبب شکل‌گیری کنش‌های مستقل‌تر و ایجاد واپایش‌کننده‌های بومی می‌شود که به شکل خودسامان سیستم را اداره می‌کنند. به‌منظور عملیاتی کردن الگوی واپایش شبکه‌ای نامتمرکز ایران در غرب آسیا، راهبردهای گوناگونی در شبکه پشتیبانی ارزش‌محور، توسعه شبکه پشتیبان موضوع‌محور، ایجاد شبکه‌های جایگزین، ایجاد شبکه‌های مصون‌سازی راهبردی و ایجاد شبکه‌های میانجی‌گری پیشنهاد شد تا از این راه ساماندهی شبکه پیچیده و چندلایه ایران انجام گیرد و شبکه به شکل خودسامان و نامتمرکز واپایش شود.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف (فارسی)

۱. قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۰) *نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای*. تهران: میزان.
۲. قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۲) *نظریه‌های روابط بین‌الملل: بنیان‌های نظری نظم و رژیم‌های بین‌المللی*. تهران: میزان.
۳. قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۷) *نظریه پیچیدگی-آشوب و جنگ در روابط بین‌الملل*. تهران: دانشگاه تهران.

ب (انگلیسی)

4. Acharya, Amitav. (2018) *Constructing Global Order Agency and Change in World Politics*. Cambridge & New York: Cambridge University Press.
5. Acharya, Amitav. (2017) "After Liberal Hegemony: The Advent of a Multiplex World Order," *Ethics & International Affairs* 31, 3: 271-285, <DOI:10.1017/S089267941700020X>.
6. Alagha, Joseph. (2012) *Hizbullah's Identity Construction*. Amsterdam: Amsterdam University Press.
7. Amour, Philipp O. (2020) *The Regional Order in the Gulf Region and the Middle East*. Cham: Springer International Publishing.
8. Anas, Omair. (2020) "The Evolution of Turkey's Asia Policy in Historical and Contemporary Perspectives." *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies* 14,3: 430-446, <DOI:10.1080/25765949.2020.1808379>.
9. Arafat, Alaa Al-Din. (2020) *Regional and International Powers in the Gulf Security*. Cham: Palgrave Macmillan.
10. Azadegan, Arash; and Kevin J. Dooley. (2011) "Complexity and the Rise of Distributed Control in Operations Management," in Peter Allen and Steve Maguire, eds. *The Sage Handbook of Complexity and Management*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
11. Bazoobandi, Sara. (2019) *The New Regional Order in the Middle East: Changes and Challenges*. Cham: Springer Nature.
12. Beck, Martin; and Thomas Richter. (2020) "Fluctuating Regional (Dis-) Order in the Post-Arab Uprising Middle East," *Global Policy* 11, 1: (68-74<DOI: 10.1111/1758-5899.12797>.
13. Borgatti, Stephen P., et al. (2009) "Network Analysis in the Social Sciences," *Science* 323, 5916: 892-895, <DOI:10.1126/science.1165821>.
14. Bousquet, Antoine; and Simon Curtis. (2011) "Beyond Models and Metaphors: Complexity Theory, Systems Thinking and International Relations," *Cambridge Review of International Affairs* 24, 1: 43-62, <DOI:10.1080/09557571.2011.558054>.
15. Brooks, Stephen G.; and William C. Wohlforth. (2015). "The Rise and Fall of the Great Powers in the Twenty-First Century: China's Rise and the Fate of America's Global Position," *International Security* 40, 3: 7-53, <DOI:10.1162/ISEC a 00225>.
16. Bull, Hedley. (1999) *The Anarchical Society*. Basingstoke & New York: Macmillan.

17. Byman, Daniel, et al. (2001) *Iran's Security Policy in the Post-Revolutionary Era*. Santa Monica, CA: Rand Corporation.
18. Cannon, Brendon J.; and Federico Donelli. (2020) "Asymmetric Alliances and High Polarity: Evaluating Regional Security Complexes in the Middle East and Horn of Africa," *Third World Quarterly* 41, 3: 505-524, <DOI:10.1080/01436597.2019.1693255>.
19. Connolly, William E. (2011) *A World of Becoming*. Durham, NC: Duke University Press.
20. Cooley, Alexander; and Daniel Nexon. (2020) *Exit from Hegemony: The Unraveling of the American Global Order*. Oxford & New York: Oxford University Press.
21. Fawcett, Louise E. (2016) *International Relations of the Middle East*. Oxford & New York: Oxford University Press.
22. Fawcett, Louise. (2013) "The Iraq War Ten Years on: Assessing the Fallout," *International Affairs* 89, 2: 325-343, <DOI:10.1111/1468-2346.12020>.
23. Flemes, Daniel. (2013) "Network Powers: Strategies of Change in the Multipolar System," *Third World Quarterly* 34, 6: 1016-1036, <DOI:10.1080/01436597.2013.802504>.
24. Fulton, Jonathan. (2020) "Situating Saudi Arabia in China's Belt and Road Initiative," *Asian Politics & Policy* 12, 3: 362-383, <DOI:10.1111/aspp.12549>.
25. Hafner-Burton, Emilie, et al. (2009, Summer) "Network Analysis for International Relations," *International Organization* 63, 3: 559-592, <DOI:10.1017/S0020818309090195>.
26. Hafner-Burton, Emilie; and Alexander Montgomery. (2006, February) "Power Positions: International Organizations, Social Networks and Conflict," *Journal of Conflict Resolution* 50, 1: 3-27, <DOI:10.1177/0022002705281669>.
27. Hahn, Peter L. (2005) *Crisis and Crossfire: The United States and the Middle East Since 1945*. Washington, DC: Potomac Books
28. Harrison, Ross. (2018) "Shifts in the Middle East Balance of Power: A Historical Perspective," Al Jazeera Centre for Studies (*studies.aljazeera.net*). Available at: <https://studies.aljazeera.net/sites/default/files> (Accessed 27 November 2022).
29. Hazbun, Waleed. (2018) "Regional Powers and the Production of Insecurity in the Middle East," *Middle East and North Africa Regional Architecture* 11: 1-19. Available at: <http://www.menaraproject.eu/?p=126> (Accessed 27 November 2022).
30. Hollis, Rosemary. (2010) *Britain and the Middle East in the 9/11 Era*. London: John Wiley & Sons.
31. Howard, Roger. (2007) *Iran Oil: The New Middle East Challenge to America*. London: IB Tauris.
32. Ikenberry, John G. (2001) *After Victory: Institutions, Strategic Restraint, and The Rebuilding of Order after Major Wars*. Princeton: Princeton University Press.
33. Ikenberry, John G. (2011, May-June) "The Future of the Liberal World Order: Internationalism after America," *Foreign Affairs* 90, 3: 56-68. Available at: <https://www.jstor.org/stable/23039408> (Accessed 27 November 2022).
34. Jervis, Robert. (1997) *System Effects: Complexity in Political and Social Life*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
35. Jones, Bruce. (2020) "China and The Return of Great Power Strategic Competition," *Global China*. Available at: https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2020/02/FP_202002_china_power_competition_jones.pdf (Accessed 27 November 2022).
36. Kagan, Robert. (2012) *The World America Made*. New York: Knopf.

37. Kamrava, Mehran. (2018). "Multipolarity and Instability in the Middle East," *Orbis* 62, 4: 598-616, <DOI: 10.1016/j.orbis.2018.08.003>.
38. Kausch, Kristina. (2015) "Competitive Multipolarity in the Middle East," *The International Spectator* 50, 3: 1-15, <DOI:10.1080/03932729.2015.1055927>.
39. Kausch, Kristina. (2017) "State and Non-State Alliances in the Middle East," *The International Spectator* 52, 3: 36-47, <DOI:10.1080/03932729.2017.1347250>.
40. Kavalski, Emilian. (2007) "The Fifth Debate and the Emergence of Complex International Relations Theory: Notes on the Application of Complexity Theory to the Study of International Life," *Cambridge Review of International Affairs* 20, 3: 435-454, <DOI:10.1080/09557570701574154>.
41. Kavalski, Emilian. (2008) "The Complexity of Global Security Governance: An Analytical Overview," *Global Society* 22, 4: 423-443, <DOI:10.1080/13600820802366391>.
42. Keck, Margaret; and Kathryn Sikkink. (1999) "Transnational Advocacy Networks in International and Regional Politics," *International Social Science Journal* 51, 159: 89-101, <DOI:10.1111/1468-2451.00179>.
43. Keohane, Robert O.; and Joseph S. Nye Jr. (1977) *Power and Interdependence*. New York: Pearson Longman Publishing.
44. Keukeleire, Stephan; and Bas Hooijmaaijers. (2014) "The BRICS and Other Emerging Power Alliances and Multilateral Organizations in the Asia-Pacific and the Global South: Challenges for the European Union and Its View on Multilateralism," *JCMS: Journal of Common Market Studies* 52, 3: 582-599, <DOI:10.1111/jcms.12102>.
45. Korolev, Alexander. (2016) "Systemic Balancing and Regional Hedging: China-Russia Relations," *The Chinese Journal of International Politics* 9, 4: 375-397, <DOI:10.1093/cjip/pow013>.
46. Krieg, Andreas. (2016) "Externalizing the Burden of War: The Obama Doctrine and US Foreign Policy in the Middle East," *International Affairs* 92, 1: 97-113, <DOI:10.1111/1468-2346.12506>.
47. Kupchan, Charles A. (1988) "American Globalism in the Middle East: the Roots of Regional Security Policy," *Political Science Quarterly* 103, 4: 585-611, <DOI:10.2307/2150898>.
48. Little, Douglas. (2008) *American Orientalism: The United States and the Middle East Since 1945*. Chapel Hill, NC: University of North Carolina Press.
49. Maoz, Zeev, et al. (2005) "International Relations: A Network Approach," in Alex Mintz and Bruce Russett, eds. *New Directions for International Relations: Confronting the Method-of-Analysis Problem*. Lanham, MD: Lexington Books
50. Mearsheimer, John; and Stephen Walt. (2016, July-August) "The Case for Offshore Balancing: A Superior US Grand Strategy," *Foreign Affairs* 95, 4: 70-83. Available at: <https://www.jstor.org/stable/43946934> (Accessed 1 December 2021).
51. Mearsheimer, John. (2019) "Bound to Fail: The Rise and Fall of the Liberal International Order," *International Security* 43, 4: 7-50, <DOI:10.1162/isec_x_00341>.
52. Nye, Joseph S. (2019) "The Rise and Fall of American Hegemony from Wilson to Trump," *International Affairs* 95, 1: 63-80, <DOI:10.1093/ia/iiv212>.
53. Peña, Alejandra. (2021) "China's Belt and Road Initiative: Implications for Central Asia," in Ferran Izquierdo-Brichs and Francesc Serra-Massansalvador, eds. *Political Regimes and Neopatrimonialism in Central Asia*. London: Palgrave Macmillan.
54. Quero, Jordi; and Andrea Dessì. (2019) *Unpredictability in US Foreign Policy and the Regional Order in the Middle East: Reacting vis-à-vis a Volatile*

-
- External Security-Provider," British Journal of Middle Eastern Studies* 48, 2: 311-330, <DOI:10.1080/13530194.2019.1580185>.
55. Rengger, Nicholas J. (2000) *International Relations, Political Theory, and the Problem of Order*. London: Routledge.
56. Stephen, Mathew D. (2017) "Emerging Powers and Emerging Trends in Global Governance," *Global Governance* 23, 3: 483-502, <DOI:10.1163/19426720-02303009>.
57. Tessman, Brock F. (2012) "System Structure and State Strategy: Adding Hedging to the Menu," *Security Studies* 21, 2: 192-231, <DOI:10.1080/09636412.2012.679203>.
58. Waltz, Kenneth. (1979) *Theory of International Politics*. Boston: Addison-Wesley Publishing Company.



Research Paper

Control of Order in Complex Regional Networks: Iran and West Asia

Farhad Ghasemi^{1*}, Seyede Bentolhoda Hashemi²

¹ Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

² A PhD Candidate in International Relations, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

Received: 6 February 2022, Accepted: 12 September 2022

© University of Tehran

Abstract

Control of order seeks to organize the relationships and behavioral patterns of actors in the international system to reach the desired status. By changing the order, the patterns of control of order change as a consequence. The purpose of this study is to present a new framework to study an innovative model of control of order, especially in West Asia. An examination of the historical evolution of control of order in this strategic region over the past two centuries shows that the control patterns during this time period often had central-linear forms. Notably, Iran's regional network in West Asia has experienced the most changes, crises, rise and fall of power, and diversity in patterns of order, particularly in the last two decades. The dynamics of the global and regional power structure and the simultaneity of these dynamics have greatly affected the West Asian region and created a network of complex relationships.

The main research questions are as follows: 1. Given the complexity of order in regional networks, what rules do they follow? 2. What systems do prominent regional actors use for the control of order? 3. How does Iran control order in the West Asian network? It is evident that the Islamic Republic of Iran's control of order in the regional network in West Asia has been affected by new realities and the complexity of international order. In this regard, new developments in the global order as well as in the regional order have led to changes in the patterns of control of order, rules of control, objectives of control, actions of the key players and environmental situation. Thus, the application of the decentralized network control model is appropriate in the current situation in West Asia. We consider decentralization as the main and logical model of controlling the evolving order in West Asia. Decentralized network control model algorithms include decentralization in the system through diversity of rules, lack of full access

* Corresponding Author Email: fghasemi@ut.ac.ir

to information, multiple solutions, increased adaptability, flexibility, creativity and innovation. This model leads to the formation of more independent actions and the creation of local controllers that manage the system by self-organization, and thus affect the control of order in the Iranian network.

In order to answer the research questions, the authors present the complex networks as a theoretical framework of the order control model in Iran's network. The theoretical framework is built around the complex networks theory which is based on a set of rules of complexity and network theory. The most important rules that shape network control are power in the form of relationships, and nonlinearity. The combination of the rules of these two theories will make it possible to study dynamic processes and evolving topologies simultaneously. The authors try to find the answers to the emerging realities in the control of the West Asian order on the assumption that the existing studies on this topic are incapable of reasonably addressing them. The method used starts from a set of accepted facts and provides the most likely, or the best explanations. The developments at the international system in the time period under investigation (i.e., the end of the Cold War to 2010) show a complex set of events arising from the evolving situations in the system which would bring important changes to the control of order. The key evolving trends in the world and West Asia include simultaneous emergence of the new global and regional actors, the occurrence of new crises, simultaneous divergence and convergence of internal elements of order control, and divergence at the level of external elements of order control in the region.

By studying global and regional complexities simultaneously, it can be seen that order in West Asia has become networked. Networking has changed the order of the linear control model to the decentralized network control model. Notably, in a decentralized network model, the most important principle in network control is decentralization. In order to implement the decentralized network control model in Iran's network of influence in West Asia, the following strategies were recommended: Generating diversity in value-driven advocacy networks, developing issue-driven advocacy networks, and finally creating substitution networks, hedging networks, and mediation networks

Keywords: Complex Networks, Control of Order, Emergence, Decentralization, Indigenous Controller

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0001-9237-4197>

References

- Acharya, Amitav. (2018) *Constructing Global Order Agency and Change in World Politics*. Cambridge & New York: Cambridge University Press.
- . (2017) "After Liberal Hegemony: The Advent of a Multiplex World Order." *Ethics & International Affairs* 31, 3: 271-285, <DOI:10.1017/S089267941700020X>.
- Alagha, Joseph. (2012) *Hizbullah's Identity Construction*. Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Amour, Philipp O. (2020) *The Regional Order in the Gulf Region and the Middle East*. Cham: Springer International Publishing.
- Anas, Omair. (2020) "The Evolution of Turkey's Asia Policy in Historical and Contemporary Perspectives." *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies* 14, 3: 430-446, <DOI:10.1080/25765949.2020.1808379>.
- Arafat, Alaa Al-Din. (2020) *Regional and International Powers in the Gulf Security*. Cham: Palgrave Macmillan.
- Azadegan, Arash; and Kevin J. Dooley. (2011) "Complexity and the Rise of Distributed Control in Operations Management," in Peter Allen and Steve Maguire, eds. *The Sage Handbook of Complexity and Management*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Bazoobandi, Sara. (2019) *The New Regional Order in the Middle East: Changes and Challenges*. Cham: Springer Nature.
- Beck, Martin; and Thomas Richter. (2020, February) "Fluctuating Regional (Dis-Order in the Post-Arab Uprising Middle East," *Global Policy* 11, 1: (68-74<DOI: 10.1111/1758-5899.12797>.
- Borgatti, Stephen P., et al. (2009) "Network Analysis in the Social Sciences," *Science* 323, 5916: 892-895, <DOI:10.1126/science.1165821>.
- Bousquet, Antoine; and Simon Curtis. (2011) "Beyond Models and Metaphors: Complexity Theory, Systems Thinking and International Relations," *Cambridge Review of International Affairs* 24, 1: 43-62, <DOI:10.1080/09557571.2011.558054>.
- Brooks, Stephen G.; and William C. Wohlforth. (2015) "The Rise and Fall of the Great Powers in the Twenty-First Century: China's Rise and the Fate of America's Global Position," *International Security* 40, 3: 7-53, <DOI:10.1162/ISEC_a_00225>.
- Bull, Hedley. (1999) *The Anarchical Society*. Basingstoke & New York: Macmillan.
- Byman, Daniel, et al. (2001) *Iran's Security Policy in the Post-Revolutionary Era*. Santa Monica, CA: Rand Corporation.
- Cannon, Brendon J.; and Federico Donelli. (2020) "Asymmetric Alliances and High Polarity: Evaluating Regional Security Complexes in the Middle East and Horn of Africa," *Third World Quarterly* 41, 3: 505-524, <DOI:10.1080/01436597.2019.1693255>.
- Connolly, William E. (2011) *A World of Becoming*. Durham, NC: Duke University Press.

- Cooley, Alexander; and Daniel Nexon. (2020) *Exit from Hegemony: The Unraveling of the American Global Order*. Oxford & New York: Oxford University Press.
- Fawcett, Louise E. (2016) *International Relations of the Middle East*. Oxford & New York: Oxford University Press.
- . (2013) "The Iraq War Ten Years on: Assessing the Fallout," *International Affairs* 89, 2: 325-343, <DOI:10.1111/1468-2346.12020>.
- Flemes, Daniel. (2013) "Network Powers: Strategies of Change in the Multipolar System," *Third World Quarterly* 34, 6: 1016-1036, <DOI:10.1080/01436597.2013.802504>.
- Fulton, Jonathan. (2020) "Situating Saudi Arabia in China's Belt and Road Initiative," *Asian Politics & Policy* 12, 3: 362-383, <DOI:10.1111/aspp.12549>.
- Ghasemi, Farhad. (2011) *Nazarieh-ye ravābet-e bein'ol-melal va motāleāt-e mantagheh'ī (Theories of International Relations and Regional Studies)*. Tehran: Mizan. [in Persian]
- . (2013) *Nazarieh-ye ravābet-e bein'ol-melal: Bonyān'hā-ye nazarieh-ye nazm va rejim'hā-ye bein'ol-melal (Theories of International Relations: Theoretical Foundations of Order and International Regimes)*. Tehran: Mizan. [in Persian]
- . (2018) *Nazarieh-ye pichidegi-āshob va jang dar ravābet-e bein'ol-melal (Theory of Complexity-Chaos and War in International Relations)*. Tehran: University of Tehran. [in Persian]
- Hafner-Burton, Emilie, et al. (2009, Summer) "Network Analysis for International Relations," *International Organization* 63, 3: 559-592, <DOI:10.1017/S0020818309090195>.
- Hafner-Burton, Emilie; and Alexander Montgomery. (2006, February) "Power Positions: International Organizations, Social Networks and Conflict," *Journal of Conflict Resolution* 50, 1: 3-27, <DOI:10.1177/0022002705281669>.
- Hahn, Peter L. (2005) *Crisis and Crossfire: The United States and the Middle East Since 1945*. Washington, DC: Potomac Books
- Harrison, Ross. (2018) "Shifts in the Middle East Balance of Power: A Historical Perspective." Al Jazeera Centre for Studies (studies.aljazeera.net). Available at: <https://studies.aljazeera.net/sites/default/files> (Accessed 27 November 2022).
- Hazbun, Waleed. (2018) "Regional Powers and the Production of Insecurity in the Middle East," *Middle East and North Africa Regional Architecture* 11: 1-19. Available at: <http://www.menaraproject.eu/?p=126> (Accessed 27 November 2022).
- Hollis, Rosemary. (2010) *Britain and the Middle East in the 9/11 Era*. London: John Wiley & Sons.
- Howard, Roger. (2007) *Iran Oil: The New Middle East Challenge to America*. London: IB Tauris.
- Ikenberry, John G. (2001) *After Victory: Institutions, Strategic Restraint, and The Rebuilding of Order after Major Wars*. Princeton: Princeton University Press.

- . (2011, May-June) "The Future of the Liberal World Order: Internationalism after America," *Foreign Affairs* 90, 3: 56-68. Available at: <https://www.jstor.org/stable/23039408> (Accessed 27 November 2022).
- Jervis, Robert. (1997) *System Effects: Complexity in Political and Social Life*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Jones, Bruce. (2020) "China and The Return of Great Power Strategic Competition," *Global China*. Available at: https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2020/02/FP_202002_china_power_competition_jones.pdf (Accessed 27 November 2022).
- Kagan, Robert. (2012) *The World America Made*. New York: Knopf.
- Kamrava, Mehran. (2018). "Multipolarity and Instability in the Middle East," *Orbis* 62, 4: 598-616, <DOI: 10.1016/j.orbis.2018.08.003>.
- Kausch, Kristina. (2015) "Competitive Multipolarity in the Middle East," *The International Spectator* 50, 3: 1-15, <DOI:10.1080/03932729.2015.1055927>.
- . (2017) "State and Non-State Alliances in the Middle East," *The International Spectator* 52, 3: 36-47, <DOI:10.1080/03932729.2017.1347250>.
- Kavalski, Emilian. (2007) "The Fifth Debate and the Emergence of Complex International Relations Theory: Notes on the Application of Complexity Theory to the Study of International Life," *Cambridge Review of International Affairs* 20, 3: 435-454, <DOI:10.1080/09557570701574154>.
- . (2008) "The Complexity of Global Security Governance: An Analytical Overview," *Global Society* 22, 4: 423-443, <DOI:10.1080/13600820802366391>.
- Keck, Margaret; and Kathryn Sikkink. (1999) "Transnational Advocacy Networks in International and Regional Politics," *International Social Science Journal* 51, 159: 89-101, <DOI:10.1111/1468-2451.00179>.
- Keohane, Robert O.; and Joseph S. Nye Jr. (1977) *Power and Interdependence*. New York: Pearson Longman Publishing.
- Keukeleire, Stephan; and Bas Hooijmaaijers. (2014) "The BRICS and Other Emerging Power Alliances and Multilateral Organizations in the Asia-Pacific and the Global South: Challenges for the European Union and Its View on Multilateralism," *JCMS: Journal of Common Market Studies* 52, 3: 582-599, <DOI:10.1111/jcms.12102>.
- Korolev, Alexander. (2016) "Systemic Balancing and Regional Hedging: China–Russia Relations," *The Chinese Journal of International Politics* 9, 4: 375-397, <DOI:10.1093/cjip/pow013>.
- Krieg, Andreas. (2016) "Externalizing the Burden of War: The Obama Doctrine and US Foreign Policy in the Middle East," *International Affairs* 92, 1: 97-113, <DOI:10.1111/1468-2346.12506>.
- Kupchan, Charles A. (1988) "American Globalism in the Middle East: the Roots of Regional Security Policy," *Political Science Quarterly* 103, 4: 585-611, <DOI:10.2307/2150898>.

- Little, Douglas. (2008) *American Orientalism: The United States and the Middle East Since 1945*. Chapel Hill, NC: University of North Carolina Press.
- Maoz, Zeev, et al. (2005) "International Relations: A Network Approach," in Alex Mintz and Bruce Russett, eds. *New Directions for International Relations: Confronting the Method-of-Analysis Problem*. Lanham, MD: Lexington Books.
- Mearsheimer, John; and Stephen Walt. (2016, July-August) "The Case for Offshore Balancing: A Superior US Grand Strategy," *Foreign Affairs* 95, 4: 70-83. Available at: <https://www.jstor.org/stable/43946934> (Accessed 1 December 2021).
- Mearsheimer, John. (2019) "Bound to Fail: The Rise and Fall of the Liberal International Order," *International Security* 43, 4: 7-50, <DOI:10.1162/isec_x_00341>.
- Nye, Joseph S. (2019) "The Rise and Fall of American Hegemony from Wilson to Trump," *International Affairs* 95, 1: 63-80, <DOI:10.1093/ia/iiv212>.
- Peña, Alejandra. (2021) "China's Belt and Road Initiative: Implications for Central Asia," in Ferran Izquierdo-Brichs and Francesc Serra-Massansalvador, eds. *Political Regimes and Neopatrimonialism in Central Asia*. London: Palgrave Macmillan.
- Quero, Jordi; and Andrea Dessì. (2019) "Unpredictability in US Foreign Policy and the Regional Order in the Middle East: Reacting vis-à-vis a Volatile External Security-Provider," *British Journal of Middle Eastern Studies* 48, 2: 311-330, <DOI:10.1080/13530194.2019.1580185>.
- Rengger, Nicholas J. (2000) *International Relations, Political Theory, and the Problem of Order*. London: Routledge.
- Stephen, Mathew D. (2017) "Emerging Powers and Emerging Trends in Global Governance," *Global Governance* 23, 3: 483-502, <DOI:10.1163/19426720-02303009>.
- Tessman, Brock F. (2012) "System Structure and State Strategy: Adding Hedging to the Menu," *Security Studies* 21, 2: 192-231, <DOI:10.1080/09636412.2012.679203>.
- Waltz, Kenneth. (1979) *Theory of International Politics*. Boston: Addison-Wesley Publishing Company.



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.